



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبیٰ نوره‌مفیدی

تاریخ: ۱۷ اسفند ۸۹

مصادف با: ۳ ربیع الثانی ۱۴۳۲

جلسه: ۲۱

موضوع کلی: حجیت قراءات

موضوع جزئی: حدیث احرف سبعة

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

عرض کردیم برای حجیت قراءات سبع دو وجه ذکر شده: یکی استناد به حدیث احرف سبعة و دیگری مسئله تواتر قراءات است، در مورد حدیث احرف سبعة گفتیم: این حدیث از طرق شیعه و سنی نقل شده که «نزل القرآن علی سبعة احرف»، همچنین عرض کردیم در طرق اهل سنت اشخاص متعددی از جمله: عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، عبد الله بن عباس، زید بن ارقم، ابو جهیم انصاری، ابو هریره و... این حدیث را نقل کرده‌اند.

در صحیح بخاری نقل شده که عمر می‌گوید: در زمان حیات رسول خدا روزی در مسجد بودم دیدم هشام بن حکم سوره فرقان را در حال نماز قرائت می‌کند به قرائت او گوش دادم دیدم سوره فرقان را با وجوه متعدد قرائت می‌کند که با ترتیبی که رسول خدا(ص) به من تعلیم داده فرق می‌کند می‌گوید نزدیک بود که در حال نماز با او درگیر شوم اما منتظر شدم تا نمازش تمام شود بعد از سلام نماز عبایش را دورش پیچیدم و به او گفتم چه کسی این قرائت را به تو یاد داده؟ هشام در جوابم گفت: رسول خدا(ص)، عمر می‌گوید: به او گفتم تو دروغ می‌گویی، به خدا قسم رسول خدا(ص) همین سوره را به صورت دیگری به من تعلیم داده و کشان کشان او را نزد رسول اکرم(ص) بردم و داستان را برای حضرت نقل کردم و عرض کردم: هشام سوره فرقان را به وجوه متعدد می‌خواند و این با وجهی که شما به من تعلیم داده‌اید متفاوت است، حضرت فرمودند: هشام را رها کن بعد به هشام فرمودند: سوره فرقان را بخوان و هشام هم شروع کرد به خواندن سوره، بعد از آنکه هشام سوره فرقان را قرائت کرد حضرت فرمودند: «هكذا انزلت السورة»، سوره به همین صورتی که خوانده شد نازل شده است بعد رو کردند به من و فرمودند: تو بخوان عمر می‌گوید: من به همان صورت که سوره را از حضرت آموخته بودم قرائت کردم بعد از آنکه سوره را خواندم باز حضرت فرمودند: «هكذا انزلت السورة»، بعد حضرت این جمله را فرمودند که: «ان هذا القرآن انزل علی سبعة احرف فاقروا ما تیسر منه»؛ این قرآن بر هفت حرف نازل شده آن مقداری که می‌توانید از قرآن قرائت کنید.

سیوطی در الاتقان آورده است که عثمان روزی روی منبر خطاب به مردم گفت: هر کسی از شما این حدیث را شنیده که: «ان القرآن انزل علی سبعة احرف» کلهها شاف کاف؛ برخیزد و بایستد، عده‌ی زیادی برخاستند و شهادت دادند، عثمان هم

گفت: من هم شهادت می‌دهم که پیامبر چنین کلامی را فرمودند.^۱ غیر از این دو موردی که عرض کردیم طرق دیگری هم برای این روایت از اهل سنت نقل شده که ما از باب نمونه به همین دو طریق که ذکر کردیم اکتفاء می‌کنیم.

در بین علماء اهل سنت عده‌ای این حدیث را متواتر می‌دانند اما بخش زیادی هم با تواتر حدیث احرف سبعة مخالفت کرده‌اند. اشکالی که وارد کرده‌اند این است که عدد تواتر در طبقات مختلف این روایت حفظ نشده، ممکن است در بعضی از طبقات عدد تواتر حفظ شده باشد اما در همه طبقات حفظ نشده در حالیکه در تواتر شرط است که عدد تواتر در همه طبقات حفظ شده باشد لذا اگر یک خبری مثلاً در پنج یا شش طبقه متواتر باشد ولی در یک طبقه منقطع شود آن خبر به عنوان خبر متواتر محسوب نمی‌شود، البته منظور کسانی که گفته‌اند این روایت متواتر است این است که این روایت تواتر معنوی دارد به این معنا که مضمون همه این روایات یکی است گرچه الفاظ آن‌ها متفاوت باشد و گرنه قطعاً تواتر لفظی وجود ندارد. این حدیث در جوامع روایی اهل سنت و در تفاسیر نقل شده و حدود سی و پنج تا چهل معنا برای این حدیث ذکر کرده‌اند که بسیاری از آن‌ها قابل قبول نیست اما اجمالاً اگر بخواهیم به چند معنای اصلی این حدیث در بین علماء اهل سنت اشاره کنیم می‌توانیم اقوال زیر را ذکر کنیم:

اقوال علماء اهل سنت درباره حدیث احرف سبعة:

قول اول:

قول اول که منسوب به خلیل بن احمد است این است که مراد از احرف سبعة همان قراءات سبعة می‌باشد.^۲ این سخن از سوی بسیاری مورد انتقاد واقع شده، سیوطی می‌گوید: این حرف سست‌ترین اقوالی است که در این زمینه وجود دارد.^۳ چون امکان دارد که حرف به معنای قرائت باشد اما اینکه احرف سبعة به معنای قراء سبعة باشد خیلی بعید است چون این قراءات سبعة بعداً پیدا شد و از طرف ابن مجاهد رسمیت یافت و نمی‌شود گفت که زمانی که پیامبر این حدیث را فرموده‌اند اشاره به قراءات سبعة اصطلاحی داشته‌اند، لذا سخن خلیل بن احمد سخن بعیدی است که از طرف بسیاری از علماء اهل سنت هم مورد انتقاد قرار گرفته است، اگر بگوییم این حدیث اشاره به خصوص قراءات سبعة دارد شاید بتواند سندیتی برای حجیت قراءات سبعة داشته باشد اما مسئله این است که اصلاً این روایت به قراءات سبع اشاره ندارد.

قول دوم:

قول دوم این است که اَحْرُف، جمع حرف است و حرف هم به معنای قرائت است و مراد از احرف سبعة قراءات مختلف است و عدد سبع کنایه از کثرت و تعدد است نه اینکه خصوص عدد هفت موضوعیت داشته باشد. این قول از قول قبلی بهتر است و استهجان آن را ندارد که می‌گفت پیامبر در این حدیث اشاره به همین قرائت‌های هفت‌گانه مرسوم داشته‌اند، طبق این قول قرآن را می‌شود به قرائت‌های مختلف خواند و قراءات سبعة موضوعیت ندارد بلکه اشاره دارد به اینکه تمام قراءات مختلفی که در قرآن وجود دارد مقبول است و حجیت دارد.

۱. الاتقان، ج ۱، ص ۷۸.

۲. البرهان، ج ۱، ص ۲۱۲.

۳. الاتقان، ج ۱، ص ۷۸.

قول سوم:

قول سوم این است که اَحْرُفُ، جمع حرف به معنای وجه است و منظور از سبعة احرف این است که قرآن بر هفت وجه و بر هفت کلمه مترادف، نازل شده مثلاً الفاظی مثل: هَلُمَّ، تعال، عَجِّلْ، اسرع، اقبل و ... وجوه متفاوت از یک معنا هستند یعنی با اینکه الفاظ مختلفند اما همه یک معنا را می‌رسانند، حدیث سبعة احرف می‌خواهد بگوید که قرآن بر هفت لفظ دارای معنای واحد نازل شده است. این قول هم باطل است.

قول چهارم:

قول چهارم این است که می‌گویند منظور از سبعة احرف یعنی هفت وجه ولی نه اینکه وجه اشاره به کلمه داشته باشد بلکه منظور از هفت وجه عبارتند از: اوامر، نواهی، حلال، حرام، محکم، متشابه و ضرب المثل‌ها. گفته‌اند: کتاب‌های آسمانی پیشین از یک در و بر یک وجه نازل می‌شد و یک وجه بیشتر نداشت ولی قرآن از هفت در و بر هفت وجه نازل شده یعنی قرآن شامل هفت وجهی است که ذکر شد.^۲

قول پنجم:

قول پنجم این است که منظور از اَحْرُفُ لهجه‌ها و گویش‌ها می‌باشد یعنی وقتی گفته می‌شود قرآن بر هفت حرف نازل شده یعنی می‌توان قرآن را بر هفت لهجه و گویش عربی قرائت کرد این قول مؤیدی هم دارد و آن اینکه: در زمان جمع آوری قرآن که عثمان کمیته‌ای را برای یکسان سازی قرآن تشکیل داد (در جلسات گذشته مفصلاً به آن پرداختیم)، به زید بن ثابت که مسؤل آن کمیته بود دستور داد که قرآن‌ها را یکسان کنند و به اعضای آن کمیته گفت: هر وقت که با زید درباره قرائت آیه‌ای اختلاف کردید آن را به زبان قریش بنویسید چون قرآن بیشتر به زبان قریش نازل شده، منظور از این زبان، زبان فرعی است وگرنه زبان اصلی، عربی است، منتها هر زبان اصلی زبان‌های فرعی هم دارد یعنی یک زبان داریم و یک گویش؛ مثل زبان فارسی که واحد است اما گویش‌ها و لهجه‌های مختلفی دارد که طبیعتاً گاهی واژه‌های مخصوصی هم در آنها وجود دارد. پس طبق این قول منظور از احرف سبعة لهجه‌ها و گویش‌های مختلف می‌باشد یعنی قرآن بر هفت لهجه و گویش نازل شده، گویش‌های مختلفی را نقل می‌کنند؛ مثل گویش قریش، گویش غسان، گویش حوازن، گویش فضیل و ... که می‌گویند قرآن بر این لهجه‌ها نازل شده است.

این قول هم بعید به نظر می‌رسد چون اگر صرف اختلاف در لهجه‌ها و گویش‌ها بود به این شدت مسلمین بر سر لهجه‌های خود اختلاف پیدا نمی‌کردند یعنی مسلمین منحصر در یک مکان خاص نبودند و طبیعتاً با هم اختلاف داشتند و قراءات آن‌ها هم با هم فرق داشت و بعضی مواقع با هم درگیر می‌شدند که سابقاً به نمونه‌هایی از این اختلافات و درگیری‌ها اشاره کردیم. اگر صرف اختلاف لهجه باعث این اختلافات شدید شده بود نمی‌توانستند همدیگر را متهم بکنند به اینکه آنچه را

۱. البرهان، ج ۱، ص ۲۲۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۱۶.

طرف مقابل قرائت می‌کند آن چیزی نیست که پیامبر فرموده است زیرا طرف در جواب می‌گفت: من به لهجه خودم می‌خوانم و قرائت می‌کنم، لذا این احتمال هم بعید به نظر می‌رسد.

البته اینکه می‌گویند قرآن به زبان قریش نازل شده تا حدودی همین طور است اما واژه‌های دیگری از لهجه‌ها و گویش‌های دیگر هم در قرآن وجود دارد مثلاً نمونه‌هایی را نقل می‌کنند و می‌گویند کلمه «اِخْسَوْا» در آیه شریفه: «قَالَ اِخْسَوْا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون»^۱، از زبان عذره گرفته شده، یا می‌گویند کلمه «بَيْس» در آیه شریفه: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ اُنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَ اَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعِزَابِ بَيْسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»^۲، از زبان غسان گرفته شده است، علی‌ای حال حدیث احرف سبعة در طرق اهل سنت نقل شده اما در معنای این حدیث بین علماء اهل سنت اختلاف است، با وجود این اختلافی که در معنای حدیث وجود دارد چگونه می‌شود گفت این روایت دلالت بر حجیت قراءات سبع دارد چون یکی از وجوهی که برای حجیت قراءات هفت‌گانه به آن استناد شد همین حدیث است که گفته‌اند قرآن بر هفت حرف نازل شده و این استدلال وقتی تمام است که ما حرف را به معنای قرائت بگیریم در حالی که ملاحظه نمودید اختلاف شدیدی بین علماء اهل سنت در تفسیر این حدیث وجود دارد به علاوه اینکه در تواتر این حدیث هم اختلاف وجود دارد لذا وقتی به آراء علماء اهل سنت هم نظر می‌کنیم می‌بینیم که این روایت نمی‌تواند حجیت قراءات سبع را اثبات کند.

بحث جلسه آینده: طرق علماء شیعه در مورد حدیث احرف سبعة را در جلسه آینده بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. مؤمنون / ۱۰۸.

۲. اعراف / ۱۶۵.